

بحث ما در شرح جمله اول رساله الحقوق امام سجاد(ع) بود؛ «فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»، بزرگترین حق خداوند بر انسان این است که او را عبادت کند. ما بعد از بیان مقدمات، رسیدیم به این جمله و گفتیم که عبادت سه طرف دارد؛ یکی خود عبادت و حقیقت عبادت است؛ اصلاً حقیقت عبادت چیست؟ ما این را به تفصیل توضیح دادیم. ضلع دوم، معبود است؛ و ضلع سوم، عابد است. در مورد حقیقت عبادت سخن گفتیم؛ درباره ویژگی‌های معبود هم به صورت کلی مطالبی عرض کردیم؛ در مورد عابد هم بعداً بحث خواهیم کرد. آیاتی از قرآن را در جلسه گذشته ذکر کردیم. طبق این آیات معبود حقیقی و معبود مجازی باید از هم تفکیک شوند. یک سری نشانه‌هایی را برای معبود حقیقی ذکر کردند که باید رازق باشد، قادر باشد، بصیر و عالم باشد؛ در مقابل، طبق برخی آیات قرآن نمی‌شود موجودی را که قادر نیست، شنوا و دانا و آگاه نیست و عاجز است را معبود قرار داد.

مقومات معبود حقیقی

حالا می‌خواهیم مقومات معبود حقیقی را ذکر کنیم. معبود حقیقی غیر از آن اوصافی که در جلسه گذشته برایش ذکر کردیم، یک مقوماتی دارد که شاید سایر آن اوصاف عمدتاً ناشی از این مقوماتی است که می‌خواهیم عرض کنیم. تنها این موجود شایستگی پرستش دارد؛ شایستگی این را دارد که انسان در مقابل او خضوع و خشوع داشته باشد.

در یک آیه از قرآن به سه مقوم و خصوصیت اصلی و رکنی معبود اشاره شده است: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ»^۱. می‌فرماید: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ»، این اولین مقوم معبود است که بعداً امر به عبادت او می‌کند. ربّ شماسست، ۲. اله شماسست. ۳. آفریننده شماسست. این الله که ربّ شما، اله شما و خالق شماسست، «فَاعْبُدُوهُ»، می‌گوید این الله و این سه خصوصیت در اوست؛ پس او را عبادت کنید. معلوم می‌شود ملاک اصلی و معیار اصلی برای معبود واقع شدن این سه تا هستند: ربوبیت، الوهیت و خالقیت.

ما می‌خواهیم اجمالاً درباره این سه توضیح دهیم. تعبیر ما از این سه خصوصیت به عنوان مقومات معبود است؛ یعنی تنها موجودی که این ویژگی‌ها را دارد، می‌تواند معبود حقیقی باشد.

۱. ربوبیت

«ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ»، این اشاره به یک معنای خاص و خصوصیت ویژه در مورد خداوند تبارک و تعالی دارد. اولاً ربّ به چه معناست؟ شاید در بسیاری از ترجمه‌ها یا تفسیرها رب را به تربیت کننده معنا می‌کنند؛ «ربّ العالمین» یعنی تربیت کننده عالمیان، پرورش دهنده عالمیان. در حالی که رب به معنای مدبّر عالم است؛ این معنی در لغت و نیز در کلمات مفسرین بیان شده است. شیخ طوسی در تبیان می‌فرماید: «و قوله رب العالمین ای المالك لتدبيرهم»^۲، ما در بحث‌های تفسیری در سوره حمد به تفصیل درباره ربّ العالمین بحث کردیم؛ اینجا فقط از باب اشاره می‌گوییم که ربّ العالمین یعنی مالک تدبیر عالمیان.

۱. الأنعام: ۱۰۲.

۲. تبیان، ج ۱، ص ۳۲.

مرحوم علامه در المیزان می‌فرماید: «فهو تعالی ربُّ لماسواه لان الرب هو المالك المدبر او المربی»^۱، خداوند تبارک و تعالی ربّ غیر خودش است، یعنی مالک تدبیر است. در بعضی از تفاسیر مثل آلاء الرحمن، ربّ را هم به به مالک التدبیر یا مالک مدبر معنا کرده‌اند و هم به معنای مربی دانسته‌اند. بعضی‌ها هم به خصوص مربی معنا کرده‌اند. پس در واقع رب یا به معنای مدبر و مالک التدبیر است، یا به معنای مربی و پرورش دهنده است، یا هر دو. اما به نظر می‌رسد که اگر ما می‌گوییم خدا ربّ العالمین است، یعنی تدبیر کننده عالم است، اما لازمه تدبیر عالم، تربیت عالم هم هست. مربی بودن، لازمه رب به معنای مدبر است. پس در واقع اگر می‌گوییم خدا ربّ العالمین است، یعنی مدبر عالم است. لکن تدبیر عالم اقتضا می‌کند که این عالم و موجودات این عالم را هم تربیت کند.

پس اگر در این آیه گفته می‌شود «ذلکم الله ربکم» یعنی این خدا، یعنی الله که اسم جامع مستجمع جمیع صفات و دربرگیرنده ذات است، یعنی خدا را باید عبادت کنید، چون رب شماس است، مدبر شما و این عالم است. این مطلب در برخی از آیات دیگر هم مورد اشاره قرار گرفته است؛ آیات بسیاری در قرآن با این مضمون آمده است، از جمله این آیه: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۲، شما امت یگانه هستید و من ربّ شما هستم؛ پس مرا پرستید. ببینید روی مسأله ربوبیت و مدخلیت آن در معبود بودن و عبادت در آیات متعدد تأکید شده است. یا مثلاً در آیه دیگری آمده: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳؛ می‌فرماید این الله، هم رب من و هم رب شماس است، فاعبدوه. لذا به وضوح در آیات متعدد این مطلب بیان شده که یکی از مقومات معبود این است که مدبر و رب عالم باشد. واقعا موجودی که رب نیست، تدبیر عالم به دست او نیست، شایستگی پرستش دارد؟ معلوم است که کسی باید معبود واقع شود که مدبر باشد. من فقط در حد اشاره اینها را ذکر می‌کنم و عبور می‌کنم.

۲. الوهیت

اما خصوصیت دوم که در معبود می‌بایست به عنوان یک مقوم به آن نگاه شود، اله است. اینجا فرمود «لا اله الا هو» هیچ الهی در عالم جز او نیست. اله یعنی چه؟ «اله» در ترجمه‌ها و تفسیرها بعضا تفسیر و معنا شده به معبود. «لا اله الا هو» را می‌گویند لا معبود الا هو، لا معبود سواک. در حالی که اله به معنای معبود نیست؛ اینکه من عرض می‌کنم بعضی به معنای معبود گرفته‌اند. تحقیق اقتضا می‌کند که اله به معنای معبود نیست. بله، معبود بودن لازمه معنای اله است؛ اله یک معنای مطابقی دارد. معنای مطابقی اله در واقع یعنی اینکه این موجود سلطه مطلق بر عالم دارد؛ اله اسم جنس است، یک عنوان کلی است برای هر موجودی که این ویژگی را داشته باشد؛ مثل واجب الوجود؛ منتهی تنها یک مصداق بیشتر ندارد. موجودی که تمام امور تحت اختیار اوست، اله یعنی این؛ کسی که جامع همه قدرت‌ها و کمالات است. چون اله به این معناست، قهرا شایستگی معبود واقع شدن هم دارد. مشرکان هم که می‌آمدند بعضی از چیزها را اله قرار می‌دادند، یعنی به عنوان معبود قرار می‌دادند، چون آنها را مسلط مطلق بر عالم می‌دانستند و فکر می‌کردند همه امور در ید قدرت آنهاست. در برخی از تفاسیر اشاره به این معنا شده است.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۲۳.

۲. الأنبياء: ۹۲.

۳. الزخرف: ۶۴.

ما وقتی می‌گوییم الوهیت یا اله، یعنی موجودی که در کار خودش به طور مطلق استقلال دارد. آیاتی از قرآن هم به مسأله اله اشاره می‌کند؛ از جمله این آیه: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ»^۱، تنها اله من هستم، تنها من هستم که به طور مطلق استقلال در کار خودم دارم؛ هیچ موجودی این خصوصیت را ندارد. یا این آیه: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ»^۲، نوح به قوم خودش فرمود الله را پرستش کنید، الهی غیر از او در این عالم نیست. این هم اشاره به این مقوم و ملاک برای عبودیت دارد.

سومین خصوصیتی که مقوم معبودیت محسوب می‌شود، خالقیت است. این بماند برای جلسه آینده.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. الانبیاء: ۲۵.

۲. المؤمنون: ۲۳.